



۱۳۰۵۹



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق بین الملل عمومی

موضوع:

حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی از

منظر اسلام

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر سید مصطفی محقق داماد

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر سید علی هنجنی

استاد داور:

سید محمد قاری سید فاطمی

پژوهشگر:

سارا اشرف کاشانی

سال تحصیلی ۱۳۸۸

۱۳۸۸/۱۱/۶

کتابخانه دانشگاه شهید بهشتی
تهران

کمال سپاس و تشکر را از استاد بزرگوار و فرزانه جناب آقای دکتر محقق
والفاد به جهت راهنمایی‌های گرانبه ایشان در طول به انجام رساندن این
تحقیق دارم و نیز از شادوهای جناب آقای دکتر، همچنین و نیز از داوری
به حق صائب جناب آقای دکتر سید فاطمی سپاسگزارم.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

مقدمه

۴	بخش اول:
۴	کلیات
۴	فصل اول: نظام حقوقی اسلام در عرضه بینالمللی
۵	فصل اول: نظام حقوقی اسلام در عرضه بینالمللی
۸	الف) غایت و هدف نظام حقوقی اسلام
۸	۱- عدالت
۱۱	۲- صلح
۱۵	ب) تئوریهای روابط بینالمللی در نظام حقوقی اسلام
۱۶	ب) تئوریهای روابط بینالمللی در نظام حقوقی اسلام
۱۷	۱- روابط میان دول اسلامی و دول غیر اسلامی
۱۸	- جنگ
۲۲	- صلح
۲۶	۲- روابط دول اسلامی با یکدیگر
۳۱	ج- تعریف و جایگاه اختلاف بینالمللی در اسلام
۳۲	۱- تعریف اختلاف
۳۴	۲- ارتباط دین و اختلافات بینالمللی در نظام حقوق اسلام
۳۶	فصل دوم: توسل به زور (جهاد)
۳۶	الف) ماهیت جهاد
۳۹	۱- جهاد به عنوان حالت دائمی جنگ با تمام غیر مسلمانان
۴۱	۲- جهاد و جنگ عادلانه
۴۴	۳- برداشت عقلانی از جهاد در راستای تحولات تاریخی
۴۷	ب) آیات جهاد در آراء فقهای اسلام
۴۸	دسته اول: آیات مقیده
۴۹	دسته دوم: آیات مطلقه
۵۱	۱- امام شافعی
۵۳	۲- ابن همام حنفی
۵۴	۳- شیخ طوسی
۵۶	۴- ابن ادرس حلی
۵۶	۵- علامه حلی
۵۸	۶- شهید ثانی
۵۹	۷- صاحب نظر جواهر
۶۰	۸- علامه طباطبائی
۶۱	۹- امام خمینی
۶۳	- ارزیابی آراء فقها
۶۷	بخش دوم:
۷۰	فصل اول: قواعد فقهی و حل و فصل اختلافات

۷۰	۱- قاعده نفي سبيل
۷۶	۲- قاعده وفاي به عهد
۸۴	فصل دوم: روشهاي حل و فصل اختلافات
۸۴	۱- مذاکره
۹۰	۲- داوري (تحکيم)
۹۷	فصل سوم: سازمان کنفرانس اسلامي و نظامي حل و فصل اختلافات
۹۷	الف) کلیات
۱۰۳	۱- اهداف سازمان کنفرانس اسلامي
۱۰۶	۲- اصول منشور سازمان کنفرانس اسلامي
۱۰۹	ب) طرق حل و فصل مسالمتآمیز اختلافات در منشور سازمان کنفرانس اسلامي
۱۱۳	۱- روشهاي سياسي حل و فصل مسالمتآمیز اختلافات
۱۱۴	۲- روشهاي حقوقي حل و فصل مسالمتآمیز اختلافات
۱۱۵	۳- نقش سازمان کنفرانس اسلامي در برخي اختلافات بينالمللي
۱۲۱	ج) دادگاه بينالمللي عدل اسلامي
۱۲۱	۱- کلیات
۱۲۳	۲- ساختار ديوان
۱۲۴	۳- صلاحيت ديوان
۱۲۶	۴- اساسنامه ديوان و شريعت اسلامي
۱۲۷	۵- جمعبندي كلي درباره ديوان بينالمللي عدل اسلامي
۱۳۱	نتيجه گیری
۱۳۴	منابع و مأخذ

مقدمه

انسان به واسطه ویژگی های خاص و متمایز خود همواره زندگی پر فراز و نشیب و اکنده از تحول و تنوع را طی می کند. اختلاف در دیدگاه ها و منافع باعث می شود تا نه تنها میان اشخاص در عرصه داخلی، که در عرصه بین المللی میان دولت ها نیز درگیری به وجود آید. این اختلاف در دیدگاه ها نتیجه روابطی است که در قلمروهای گوناگون قومی، بین المللی در طول تاریخ افراد و ملل گوناگون با یکدیگر قرار نموده اند. فقهای اسلام اعم از شیعه و اهل سنت در مباحث فقهی خود به صورت مستقل یا ضمنی به رابطه دولت اسلامی با دیگر دولت های جهان پرداخته اند ولی به حکم اینکه قانون پدیده ای اجتماعی است تکامل آن نیز به تدریج همراه با تکامل تمدن تحقق می پذیرد، چنانچه در گذشته ای نه چندان دور مقررات زیادی در جوامع وجود نداشته اما امروزه یک ضرورت اجتماعی به شمار می آید. تمدن اسلامی در طول تغییرات سیاسی و اجتماعی شکل گرفت و به تبع آن با پیچیده تر شدن روابط، فقهای اسلام در جهت پاسخگویی به نیازهای مسلمانان در هر عصر اقدام به نظریه پردازی نمودند که مانند بسیاری از مسائل حقوق اجتماعی، متنوع و گاه متضاد بودند به گونه ای که قبل از جرح و تعدیل و رسیدن به نتیجه نهایی نمی توان این نظریه ها را در روابط اجتماعی مسلمانان با دیگر ملل به طور عملی مراعات کرد. نظام حقوقی اسلام همانند دیگر ساختارهای حقوقی مبتنی بر اهدافی است که این اهداف را باید از منابع اصیل آن (قران و سنت) استخراج کرد. عدالت و صلح متعاقب آیات قران کریم و روش پیامبر اسلام از اهداف اولیه و بنیادین در جهت تنظیم دیگر قواعد و اصول که نه تنها حاکم بر روابط مسلمین با یکدیگر بلکه برکل روابط بشریت، آمده است. ولیکن تفسیر فقها از این اهداف در ارائه تئوری هایی در روابط میان ملل و گروه های بشری به صورت یکسان نبوده.

آنان این اهداف را در پرتو تبلیغ دین اسلام و اصل دعوت جهانی و در نتیجه تقسیم بندی افراد بشری بر مبنای عقیده و مذهب مورد برداشت قرار داده اند و صرف غیر مسلمان بودن را اولین پایه و اصلی ترین عامل اختلافات چه داخلی و چه بین المللی دانسته اند. چرا که از نظر آنان غیر مسلمان حقوق برابر و متساوی با مسلمانان ندارند. همین دیدگاه منجر به تقسیم بندی های گوناگون از جمله دارالحرب و دارالصلح در عرصه روابط بین المللی توسط ملت ها گردید بنابراین مفهوم حل و فصل اختلافات به آن معنایی که در حقوق بین الملل نوین به عنوان مجموعه روشهایی مسالمت آمیز که در جهت فیصله اختلافات خود به گونه ای صلح آمیز و بدون هر حرب افروزی بکار می گیرند متفاوت می باشند.

علیرغم وجود سابقه بکارگیری روش های حقوقی و سیاسی حل و فصل اختلافات با غیر مسلمین همانند داوری و مذاکره جنگ بر خلاف آیات صریح قرآن که جز برای دفع تجاوز و دفاع مشروع جایز نمی باشد، توسط اغلب فقها به عنوان نوعی وسیله رفع اختلاف با غیر مسلمانان (تفاوت عقیده) قلمداد شده است. این تقسیم بندی های فقهی که ریشه در انسان شناسی فقهی اسلام دارد تحت تأثیر تحولات سیاسی و بین المللی در جهان اسلام قرار گرفته با شروع جنبش های استقلال طلبانه در کشورهای تحت استعمار و تلاش ملت ها در کسب هویت مستقل ملی که از مفاهیم حقوق بین الملل نوین می باشد و در نهایت پیوستن کشورهای اسلامی به منشور سازمان ملل متحد به عنوان قانون اساسی جهانی، که شناخت برابری حاکمیت ها و استقلال دیگر اعضای جامعه بین المللی و ممنوعیت تجاوز جز در جهت دفاع مشروع و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات از طرق مصرح در فصل ششم و دیگر روش های صلح آمیز بنیان فقهی کهن را مورد تشکیک قرار داده است زیرا اصول بنیادین اسلامی چون اصل وفای به عهد تمام دول مسلمان را به رعایت قواعد منشور که از

جمله آن فیصله صلح آمیز اختلافات در سایه برابری حاکمیت و رضایت دولت ها بدون توجه به عقیده و مذهب با تمسک به روش های عرفی جهانی نوین فرا می خواند.

این تحقیق در دو بخش و به شیوه توصیفی نگارش یافته است. بخش اول به سؤالات زیر پاسخ می دهد. اهداف نظام حقوقی اسلام به طور کلی چیست؟ فقهای اسلام با توجه به این اهداف چگونه روابط مسلمانان با غیر مسلمانان را مورد نظر قرار داده اند؟ آیا از منظر فقها مذهب و عقیده در نوع رابطه با غیر مسلمانان دخیل بوده است؟ مفهوم اختلاف بین المللی در حقوق بین الملل و همچنین در آحاد ملت ها چیست؟ و در آخر مفهوم جهاد در آراء فقهای متقدم و متاخر چه بوده است؟

بخش دوم به این سؤالات می پردازد: رابطه قاعده نفی سبیل و حل و فصل اختلافات چیست؟ آیا قاعده وفای به عهد الزامی در جهت حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی با توجه به نظام حقوقی بین المللی نوین ایجاد می کند؟ روش های حل و فصل آمده در اسلام کدامند؟ سازمان کنفرانس اسلامی و نقش آن در فیصله اختلافات دولت های مسلمان چیست؟ نقش دادگاه عدل اسلامی به عنوان یکی از ارکان سازمان کنفرانس اسلامی در حل اختلافات چه خواهد بود؟

بخش اول:

کلیات

فصل اول: نظام حقوقی اسلام در عرصه بین‌المللی

اسلام یک نظام فکری است. جهان بینی، احکام و اخلاق آن همانند تاروپود به یکدیگر تنیده‌اند به دلیل این ارتباط تنگاتنگ می‌باشد که حاکمیت یک نظام حقوقی در زمینه‌های اجتماعی گوناگون، لازم می‌نماید.

«احکام اسلام، یک رشته اصول به هم پیوسته را بنا می‌نهند که همه امور یک مسلمان، در رابطه‌اش با خدا، با خود و با هموعانش را در برمی‌گیرد. از این رو اسلام در عین آن که یک دین و یک مجموعه قوانین اخلاقی است، یک سیستم حقوقی نیز می‌باشد و این عنصری است که ویژگیهای اسلام را کامل می‌سازد و در تحقق اهدافش به عنوان یک سازمان اجتماعی، نقش مهمی ایفاء می‌نماید.»^۱

واضع حقوق اسلام پروردگار است و جهان و انسان را او آفریده و بدین دلیل از ابعاد گوناگون وجود او آگاهی کامل دارد و غایت و هدف از خلقت انسان را رسیدن به خدا قرار داده است:

«جن و انس را جز برای پرستش خود نیافریدم»^۲

«خدای یکتا من هستم و هیچ خدایی جز من نیست، پس من را به یگانگی

بپرست و نماز را مخصوصاً برای یاد ما بپادار»^۳

انسجام نظام حقوقی اسلام برخاسته از جهان‌بینی توحیدی است و بین اجزای آن رابطه‌ای ناگسستنی وجود دارد به گونه‌ای که اهداف حقوقی آن جز با تحقیق دیگر اهداف، تامین نمی‌گردد. احکام الهی، یعنی قرآن و حدیث عملاً نیازهای جامعه اسلامی را در دوران ابتدائی اسلام برآورده است اما بعدها با

۱- ر.ک. محقق داماد، سید مصطفی، حقوق بین الملل اسلامی، جزوه درسی نیمسال تحصیلی

دوم ۱۳۸۶، ص ۲۴.

۲- ذاریات/ ۵۶.

۳- طه/ ۱۴.

پیچیده شدن روابط و نیازهای بشر، به نظر می‌رسید حکم صریحی برای پاسخ به آنها وجود ندارد.^۱

بنابراین لازم بود علمی وضع گردد تا وظیفه عملی انسان را بر اساس شریعت تعیین نماید. این چنین بود که علم فقه به وجود آمد تا از راه استدلال، موضع عملی انسان را در قبال شریعت تعیین کند. در واقع کار فقه به دست آوردن حکم شرعی از راه اقامه دلیل است.

«در اصطلاح قرآن و سنت، «فقه» علم وسیع و عمیق به معارف و دستوره‌های اسلامی است و اختصاص به قسمت خاص ندارد. ولی تدریجاً در اصطلاح علماء این کلمه اختصاص به «فقه الاحکام» یافت.»^۲

بدین ترتیب نظام حقوقی را به وجود آوردند که همه حوائج مسلمانان را در امپراتوری اسلامی برآورده می‌ساخت.

«فقه از احکام مستقیم الهی به وجود آمد، اما این قدرت برای انسان محفوظ ماند که احکام الهی را از طرق فقهی شرح و بسط دهد، با این شیوه دو نیاز برآورده شد: ۱- نیاز به قداست... ۲- نیاز به انعطاف‌پذیری یا تحول برای رفع حاجات مولود زمان و اوضاع و احوال.»^۳

همان گونه پرفسور حمیدالله اشاره کردند، مسلمانان در طول قرون، نظام حقوقی را به نظم کشیدند که علاوه بر بهره‌مندی از خصیصه آسمانی که همان محور قرار دادن فرامین الهی آمده در قرآن و احادیث می‌باشد، به قدرت عقلی و استدلالی بشری نیز متکی است تا بدان وسیله احکام اعمال انسان را در حیطة زندگی روزانه وی از جهات گوناگون، مشخص نماید.

۱- بعد از فوت پیامبر اسلام (ص) ارتباط مسلمانان با مبدأ احکام که از طریق رسول اکرم (ص) بود، قطع شد.

۲- ر.ک. مطهری، مرتضی، آشنایی با علم اسلامی، علم فقه، ص ۲.

۳- ر.ک. حمیدالله، محمد، سلوک بین‌المللی دولت اسلامی، ترجمه و تحقیق دکتر سید مصطفی محقق داماد، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۱۲.

اصل زندگی اجتماعی و داشتن ارتباط، از گرایشهای دیرین بشر بوده است. اسلام نیز آیینی است، جامع، فراگیر و مخاطبان قرآن نیز گروه خاصی در زمان و مکان ویژه‌ای نمی‌باشند.^۱ یکی از مباحث بسیار مهم در نظام حقوقی اسلام مسئله ارتباط مسلمین (اعم از فرد یا جمع) با غیر مسلمین می‌باشد. قرآن در آیات خود به روشنی اصل روابط میان افراد و ملل دیگر را پذیرفته است:^۲

«خداوند شما را از نیکی و عدالت ورزیدن با آنان که با شما در دین نجنگیده‌اند و از سرزمینتان بیرون نرانده‌اند، باز نمی‌دارد. خداوند کسانی را که به عدالت رفتار می‌کنند، دوست دارد».

حضرت رسول اکرم (ص) از همان آغاز تشکیل حکومت اسلامی در مدینه نیز، گروههای تبلیغی و سیاسی به اطراف و اکناف دنیای می‌فرستد و سران کشورها را در جریان هدفها و برنامه‌ها و پیام آسمانی خویش قرار می‌دهد.

حضرت افزون بر فرستادن گروههای تبلیغی و ارسال نامه، پیکهای ویژه- ای نیز به سوی سران کشورهای بزرگ آن روز فرستاد.^۳

از سیره پیامبر اسلام (ص) به دست می‌آید که مهم‌ترین برنامه‌های حکومتی و سیاسی دولت اسلامی به رهبری آن حضرت، ایجاد ارتباط با دولتها برای پدید آوردن دنیایی به دور از شرک، جنگ و ستم می‌باشد.

همان گونه که شرح داده شد، نظام حقوقی اسلام، نظامی جامع می‌باشد و تمام اصول و احکام آن با یکدیگر متصل و پیوسته می‌باشند. بحث حقوق بین-

۱- بقره/۲۱

یونس/۵۷

انبیاء/۱۰۷

۲- ممتحنه/۸

۳- ر.ک. التراتیب الاداریه، دراسات فی ولایه الفقه، ج ۴، ص ۱۲۸-۱۲۸. به نقل از حمیداله محمد، سلوک بین المللی دولت اسلامی صفحه ۶۱

الملل در اسلام به معنای مقررات کلی حاکم بر روابط بین‌المللی یک کشور مسلمان، عمدتاً در دوره دهساله زندگی سیاهی پیامبر (ص) بزرگوار اسلام، در مدینه تکوین یافت. در این مدت قواعد و مقررات از دو مجرا شکل می‌گرفتند: نزول آیات قرآنی و سنت پیامبر اسلام (ص).^۱ ولیکن با توجه به تاریخ تمدن اسلامی چنین به نظر می‌رسد که به حقوق بین‌المللی اسلامی به عنوان یک علم جامع و مستقل ریشه در تحولات دوران امویان دارد. به گونه‌ای که قدیمی‌ترین اثر فقهی، یعنی المجموع فی الفقه اثر زید بن علی، پسر بزرگ امام علی بن الحسین (ع) که در حدود سال ۱۲۰ هجری قمری در گذشته است، فصلی دارد درباره سیر.^۲

با تحقیق و مذاقه در متون و منابع اسلامی و کتب فقهی آشکار می‌گردد که دین اسلام در زمینه مسائل گوناگون، چه در درون سرزمین اسلامی و چه در خارج آن اصول یکسانی را مطرح می‌نماید که آن به دلیل جامعیت و کلیت و پیوستگی نظام حقوقی اسلام می‌باشد و برای شناخت روح و جان خط فکری که اسلام در عرصه بین‌المللی در نظر دارد ما به ناچار باید در ابتدا اهداف و اصول آن را تبیین نماییم و سپس به مباحث دیگر بپردازیم.

الف) غایت و هدف نظام حقوقی اسلام

۱- عدالت

عدالت قدیمی‌ترین مفهومی است که بشر آن را از آغاز تمدن خود شناخته و آرمان مطلوب خود دانسته و برای استقرار آن کوشیده است. عدالت همراه

۱- آل عمران/۵۳.

۲- ر.ک. حمیدا...، محمد، همان، ص ۷۵.

جامعه است. در تاریخ تمدن انسانی پیش از آنکه قانون و مفهوم آن پدید آید، اندیشهٔ عدالت و قواعد آن ظهور داشته است.^۱

در اسلام عدالت از ارکان دین است و «عدل» همانند توحید در تمام اصول و فروع دین ریشه دارد. عدالت قانونی است که نظام هستی بر محور آن دور می‌زند^۲ و جامعه انسانی نیز به صورت جزئی از این عالم نمی‌تواند از این قانون عام بر کنار ماند و بدون عدالت به حیات سالم خود ادامه دهد.^۳

«عدالت از مقیاس‌های اسلام است که باید دید چه چیزی به او منطبق می‌شود. عدالت در سلسله علل احکام است نه در سلسله معلولات، نه این است که آن چه دین گفت عدل است، بلکه آنچه عدل است، دین می‌گوید».^۴

یکی از دشواریهای بحث عدالت، ابهام در تعریف آن می‌باشد و اندیشوران در هر رشته بنابر بنیان فکری خویش، تعریفی ارائه داده‌اند که از دیدگاه برخی دیگر این تعریفها از عدل، بیش‌تر تعریف به مصداق است.^۵

از دیدگاه حقوق اسلام، عدالت «اعطاء کلّ ذی حقّ حقّه» تعبیر شده است و در هر کجا حقی وجود داشته باشد، عدالت نیز مطرح خواهد بود، بنابراین حق و عدالت لازم و ملزوم یکدیگر می‌باشند.^۶

۳- ر.ک. قربان‌نیا، ناصر، عدالت حقوقی، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱، ص ۲۰.

۲- پیامبر (ص) فرمود: «بالعدل قامت السموات و الارض»، تفسیر آیه اله صافی، ذیل آیه ۷ سوره الرحمن، ناصر، مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۴۸۲.

۳- انفطار/ ۷.

۴- ر.ک. مطهری، مرتضی، مبانی اقتصاد اسلامی، ص ۱۴.

۵- برای مثال عالمان اخلاق، عدالت را به انقیاد عقل عملی برای قوه عاقله یا سیاست کردن قوه غضب و شهوت و فقیهان آن را به ملکه نفسانی که به موجب فرمان می‌دهد و از حرام باز می‌دارد، معنا کرده‌اند.

۶- ر.ک. اخوان کاظمی، بهرام، عدالت در اندیشه‌های سیاسی اسلام، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲، ص ۴۵.

مبنا و منشأ اصلی طرحهای علمی و عملی مسأله عدل را در قرآن باید جستجو نمود. عدالت در قرآن به صورت یکی از اهداف بعثت پیامبر الهی مطرح است؛^۱ اجراء و توسعه عدالت از وظایف آنان می‌باشد.^۲

پروردگار در سوره حدید آیه ۲۵ یکی از اهداف رسالت انبیا را عدالت معرفی نموده است " همانا ما پیامبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و برایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند و..." خداوند همه انسانها را در قرآن کریم به اجرای عدالت و پاسداری آن امر می‌کند^۳ و حتی دشمنی با دیگران نباید آنان را به ترک عدالت بکشانند.^۴

عدالت را در اسلام به اعتباری به عدالت الهی و غیرالهی تقسیم کرده‌اند. عدالت الهی سه قسم است: تکوینی، تشریحی و جزایی.^۵ اما عدالت غیرالهی دارای تقسیم‌های عدالت فردی و عدالت اجتماعی است. عدالت فردی، جامع عدالت اخلاقی و فقهی است. زیرا در فقه اسلامی تصدی پاره‌ای از کارها مشروط به عدالت است، مانند تصدی مرجعیت، قضاوت، امامت. عدالت اجتماعی عبارت است از احترام به حقوق دیگران و رعایت مصالح عمومی و یا به عبارت دیگر شناخت حقوق طبیعی و قراردادی که جامعه برای تمام افراد قائل است.^۶

۱- شوری/ ۱۵.

۲- حدید/ ۲۵.

۳- نحل/ ۹۰.

۴- مانده/ ۸ ممتحنه/ ۸.

۵- عدالت تکوینی آن است که خداوند هر کسی را به اندازه آنچه استحقاق دارد، وجود و استعداد و کمالات وجودی عطا کند. عدالت تشریحی آن است که خداوند متعادل در هر زمانی به وسیله انبیا و اوصیا آنچه را موجب رشد و کمال انسانها است به آنها گوشزد می‌کند و زیر عنوان شریعت شناخته می‌شود. عدالت جزایی این است که خداوند در مقام پاداش بین نیکوکاران و ستمکاران فرق می‌گذارد، یعنی هر کس را در برابر عملش پاداش می‌دهد.

۶- ر.ک. اخوان کاظمی، بهرام، همان، ص ۳۳.

عدالت در اسلام چه در روابط شخصی و چه در روابط اجتماعی، با یکدیگر در ارتباط می‌باشند و بی‌عدالتی و عدم تعادل در هر یک جز به تمام پیکرهٔ اسلام وارد می‌آورد و این خود جلوه‌تی از وحدت می‌باشد.

۲- صلح

توسل به زور و زبان خشونت، امری همراه و همزاد بشر در طول تاریخ است. جنگ، کشتار و خون‌ریزی در طول قرون به عنوان اصل و قاعده میان ابنای بشر بوده است و صلح، آرمانی دست نیافتنی محسوب می‌شد. بدون شک ادیان الهی نخستین پیام‌آوران صلح نزد آدمیان بوده‌اند زیرا محبت و دیعه الهی، در نهاد آدمی است و بر این اساس شالوده و رابطه انسان با خدا، انسان با جهان و انسان با انسان محبت است. هر چند که با کمال تأسف در طول تاریخ با برداشتهای ناروای بشری و غلبه تعصبات کور، از دین نیز ابزاری برای توجیه نامردیها در جهت تنگ کردن زندگی بر انسانها ساخته شده است.^۱

دین اسلام در طول تاریخ به ویژه در دو قرن اخیر به غلط در میان اذهان به عنوانی دین شمشیر شناسانده شده است در حالی که مسئله صلح و همزیستی مسالمت آمیز در اسلام بسیار اذیل و ریشه‌دار است. زیرا این رهیافت پیوندی ناگسستنی با طبیعت اسلام و نظریه عمومی آن درباره جهان در زندگی انسان دارد. اسلام دین همبستگی وحدت و یگانگی در سراسر جهان است. آموزه توحید،^۲ قرار داشتن همه هستی در گردونه تدبیر واحد، پیوند نسلی همه آدمیان به یک پدر و مادر،^۳ حرکت جهان و انسان به سوی غایت

۱- خاتمی، محمد، ائتلاف برای صلح بر پایهٔ عدالت، نشریه داستان، شماره ۶، زمستان ۱۳۸۶.

۲- بقره/۱۶۳.

۳- حجرات/۱۳.

واحدی الهی،^۱ وجود فطرت یگانه خداجو در همه انسانها استوارترین زیر ساختهای نظری صلح در اسلام است.

در واژه اسلام و صلح (سِلْم، سَلَم، سَلام) از یک ریشه می‌باشند. مشتقات این دو واژه در قرآن، به صورت متعدد آمده^۲ که در مجموع سِلْم بر وزن علم مترادف با صلح به معنای مسالمت است و نیز سَلَم بر وزن عقل به معنای سازش عادلانه است.^۳ یکی از صفات مقدس خداوند و از بهترین نامهای وی، سلام است. قرآن به عنوان منشور صلح جهانی، به صراحت جنگ افروزی را مذمت و منشأ آن را فساد و تباهی می‌داند^۴ و خداوند را فرو نشاننده آتش جنگ می‌داند.^۵

اعتدال و صلح‌آمیز بودن اسلام مورد تأیید نویسندگان غربی نیز قرار گرفته است:

«کلمه اسلام از ریشه عربی صلح می‌آید و قرآن نیز جنگ را به عنوان یک حالت غیر عادی و جز برای رضایت پروردگار ممنوع کرده است...»^۶

صلح مفهومی است که معنای آن در رابطه آشکار می‌شود. در واقع اینگونه می‌توان اظهار داشت که معنای صلح را در وجود جنگ و تهدید آن می‌توان فهمید. از منظر متفکرین غرب، صلح تنها در نبود حالت جنگ و تجاوز است که به وجود می‌آید.^۷ و لیکن با توجه به آموزه‌های قرآن و سنت می‌توان به دو نوع صلح در اسلام پی برد: ۱- صلح درونی ۲- صلح بیرونی

۴- بقره/ ۱۵۶.

۵- نساء/ ۹۴، مائده/ ۱۶، انعام/ ۵۴ و ۱۲۷، یونس/ ۶۲، رعد/ ۲۴، نور/ ۶۱، فرقان/ ۶۳، صافات/ ۱۸۱، ق/ ۳۴، واقعه/ ۲۵ و ۲۶، قدر/ ۵.

۶- ابوعلی الفضل بن الحسن، الطبرسی، مجمع‌البیان، الجلد ۱، ص ۵۳۶.

۱- بقره/ ۲۰۸ و ۲۰۵.

۲- مائده/ ۶۴.

6- Karen Armstrong, Holy war, Macmillan London limited, 1988 p.25

«در اولین گام کلمه اسلام از ریشهٔ مشترک صلح است (سَلِم، سلام، سَلَم). که به معنای مشابهی به عنوان تسلیم بر اراده پروردگار اشاره دارد که همراه با وقار و آرامش درونی خواهد بود»^۱.

همانگونه که در ابتدا گفته شد، اولین مرحلهٔ صلح که نتیجه آن آرامش و وقار درونی است، تسلیم به اراده پروردگار یگانه است. اسلام در واقع به این نکته مهم روانی و فیزیکی توجه دارد که تا زمانی که انسانها درون و روح خود را از ناپاکیها پاک نکرده و ارادهٔ آفریننده خود را نادیده انگارند، به صلح واقعی و حقیقی نخواهد رسید. اسلام انسان را موجودی می‌داند که از دو بُعد روحانی و جسمانی برخوردار است.

«باید به خاطر داشت که اسلام بنیان خود را بر ایدهٔ برقراری تعادل در درون وجود انسان و نیز در درون جامعه بشری، که ظرف عمل کرد و تحقق اهداف زندگی دنیوی اوست، استوار می‌سازد. این تعادل که بازتاب زمینی عدالت خدای متعال و شرط لازم صلح و آرامش در عالم انسانی است، بنیایی است که بر اساس آن نفس انسان به سوی آن صلحی پر می‌کشد که به لسان مسیحیت از هر درکی فراتر است»^۲.

از منظر اسلام صلح و عدالت دو مقوله منفک از یکدیگر نمی‌باشند. به عبارت دیگر حسن عدالت‌طلبی و صلح‌جویی به یکدیگر وابسته‌اند.

«هیچ صلحی بی‌عدالت تحقق نمی‌یابد و لازمهٔ عدالت، کوشش پیگیرانه برای برقراری تعادل، چه درونی و چه بیرونی در جهانی است که در آن، نیروها و فشارهایی همواره با آرامش و نظم سر ستیز دارند»^۳.

1- mohaghegh domad, mostafa, peace in the Islamic thorghht and culture, p.9.

۲- ر.ک نصر، سید حسین، اسلام سنتی در دنیای متجدد، ترجمه محمد صالحی، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۸۶. ص ۵۴.

۳- ر.ک نصر، سید حسین، قلب اسلام، ترجمه سید محمد صادق خرازی، نشر نی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۵.

صلح دیگری که اسلام به آن اشاره دارد صلح در صحنه روابط میان افراد و گروهها (صلح بیرونی) می‌باشد.

رایج‌ترین تعریف صلح از این منظر، عدم وجود جنگ می‌باشد.

«مراد از صلح که یکی از هدفهای اساسی در صحنه بین‌المللی است، حالت

طبیعی و بدون جنگ است».^۱ از ویژگی‌های این صلح عدم وجود درگیری‌های نظامی می‌باشد و تمام هدف، جلوگیری از تجاوز و تهاجم می‌باشد.^۲ این جنبه از صلح به خوبی در کلام رسول اکرم (ص) نمایان است. «با دشمن تمایلی به برخورد نداشته باشید و اگر با او برخورد کردید (پس) شکیباً باشید».^۳

از آنجا که حقوق اسلامی را اساساً حقوق صلح دانسته‌اند^۴ و برای آن

ارکانی قائل شده‌اند که ما را به این نتیجه می‌رساند که، صلح در اسلام هدفی صرف و مجرد در جهت عدم وجود خشونت نمی‌باشد، بلکه با توجه به کرامت انسان و بشریت در اسلام و اهمیت رشد و تعالی آن، صلح مفهومی بسیط‌تر و عالی‌تری را دارا می‌باشد.

برابری و اخوت جهانی یکی از مهمترین مشخصه‌های صلح در اسلام

است. در واقع برابری در کنار آزادی، مهمترین حق بشر محسوب می‌گردد. در قرآن کریم به کرات به این مطلب اشاره شده است.^۵ اخوت بشریت و صلح، ریشه در دیدگاه جهانی بودن دین اسلام و رسالت حضرت رسول اکرم (ص) دارد. «آنکه مردم را به طایفه‌گری می‌خواند از ما نیست».^۶

۳- ر.ک محقق داماد، سید مصطفی، حقوق بین‌المللی اسلامی، جزوه درسی سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ ص ۲۰.

۴- نویسندگان غربی از آن صلح منفی یاد کرده‌اند.

۳- ر.ک صبحی محمصانی، اصول حقوق بین‌الملل از دیدگاه دکترین اسلامی، ترجمه دکتر ضیائی بیگدلی، مجله کیهان سیاسی اقتصادی شماره ۳۴-۱۳۳۱، ص ۱۱۹.

۱- ر.ک محقق داماد، مصطفی، همان ص ۴۱.

۲- ر.ک حجرات/ ۱۳. نساء/ ۱، لقمان/ ۲۸.

۳- ر.ک صبحی محمصانی، همان ص ۱۱۹.

همکاری و تشریک مساعی عامل مهم دیگر در رسیدن به صلح است. در دوره معاصر تفرقه و تعصب کور نیز مردود است و به علاوه حرکت‌های نوین به تفاهم متقابل و تقارب بین پیروان ادیان و مذاهب مختلف دعوت می‌کنند و این منجر به تعاون و همکاری در جهت رسیدن به تعالی بشریت می‌شود. در این جهت ریشه‌های تخاصم و جنگ برطرف می‌شوند و به این طریق تمام افراد و ملل می‌توانند از تمام استعداد‌های خود بهره‌برداری کرده و نیز در نتیجه آن اعتماد و حسن ظن را جایگزین عدم اعتماد و تعصب نموده و این همان جان مایه قاعده اصل مهم حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات می‌باشد که حقوق بین‌الملل معاصر نیز بدان اهمیت بسزایی داده است.^۱



۴- با لازم الاجرا شدن منشور ملل متحد در مورخ ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ اصل فیصله مسالمت آمیز اختلافات مورد تایید رسمی و قطعی دولتها قرار گرفت. ماده اول منشور که اهداف سازمان را تعیین می‌کند، از ضرورت «حل و فصل یا تعدیل اختلافات یا وضعیتهای بین‌المللی که ممکن است به نقض صلح منجر شوند، با روشهای مسالمت آمیز و بر اساس اصول عدالت و حقوق بین‌الملل» سخن می‌گوید. ماده ۲(۳) منشور به طور صریح بیان می‌نماید که در تمام اعضا باید اختلافات بین‌المللی خود را با روشهای مسالمت آمیز حل و فصل نمایند به نحوی که صلح، امنیت و عدالت بین‌المللی به مخاطره نیفتد». برای عملی کردن این اصل، فصل خاصی (ششم) تحت عنوان «حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات» در نظر گرفته شده است. نگاه کنید به: صلح چی، محمد، حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی، نشر میزان، ۱۳۸۷، ص ۲۴.